پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۸، صص ۳۳۳ - ۳۱۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۹۰۴۱۳

چشم‌انداز گفتمان احزاب اسلام‌گرا در مناسبات قدرت و ساختار حکومت (مطالعهٔ موردی: ترکیه)[۱]

عارف عبداللهی[۲]
محمدرضا حاتمی[۳]
عباسعلی رهبر[۴]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۲۳ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۹**

چکیده

اسلام سیاسی اصطلاحی ژرف می‌باشد که در قرن معاصر در برابر اسلام سنتی مطرح شده است. در این نگاه، اسلام به‌عنوان هویت مرکزی با نقش کارکردگرایانه در متن سیاست واقع می‌شود و نظم اجتماعی را با تمام ملزومات آن نظریه‌پردازی می‌کند. این پدیده، امروزه صرفاً در حوزهٔ انتزاع نیست، بلکه به‌واقع قابلیت‌های خود را در عملِ سیاسی در کشورهایی همچون ترکیه نشان داده است. در ترکیه اسلام سیاسی با توجه به متغیرهای اجتماعی، تاریخی، ایدئولوژیکی و هویتی دستخوش دگردیسی شده است که نمونهٔ تام و تمام آن کودتای نافرجام ۱۶ جولای ۲۶/۲۰۱۶ تیر ۱۳۹۵ می‌باشد که پیامدهای داخلی و منطقه‌ای ژرفی را بر احزاب سیاسیِ اسلامی در ترکیه برجای گذارده است. با علم به کارکرد غیرقابل انکار احزاب اسلام‌گرا در مناسبات قدرت و ساختار حکومت در ترکیه پرسشی که نگارندگان پژوهش پیش‌رو با رویکردی توصیفی ـ تحلیلی درصدد پاسخ به چرایی آن برآمده چنین ترتیب‌بندی شده است که گفتمان اسلام سیاسی چه جایگاهی را در مناسبات قدرت و ساختار حکومت ترکیه احراز کرده است؟ فرضیه‌ای که از معبر پرسش فوق مطرح شده ناظر بر آن است که گفتمان اسلام سیاسی در ترکیه خود را در بستر مواردی همچون: تضاد طبقاتی و زوال اقتصادی؛ بحران مشروعیت دولت؛ بحران فرهنگ و نوسازی؛ ساختار مذهبی، قومی و رشد اسلام‌خواهی در جامعه؛ رشد و توسعهٔ جامعه مدنی؛ بسط و تعمیق سکولاریسم در جامعه؛ متغیرهای بین‌المللی، اوزلیسم و تضعیف کمالیسمِ افراطی، تحول سیاسی و تغییر موازنهٔ قوا، ظهور حزب عدالت و توسعه و پیشبرد دموکراسی به منصهٔ ظهور رسانده است. گفتمان مزبور کوشیده است تا تعریفی جدید از ارتباط اسلام و تجدد در جامعهٔ ترکیه ارائه دهد و از این رهگذر به ساختاربندی مجدد نظام سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این کشور راهبردی مبادرت ورزد..

واژه‌های کلیدی: اسلام سیاسی، ترکیه، گفتمان، مناسبات قدرت، ساختار حکومت.

۱. برگرفته از رساله دکتری

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. aref.1396@chmail.ir
۳. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور. (نویسنده مسئول) hatami5@yahoo.com
۴. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی. aa.rahbar@atu.ac.ir

Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

۱ـ جُستارگشایی

پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی، عصری جدید در تاریخ تحولات ترکیه به‌وجود آمد که از آن تحت عنوان «ترکیه مدرن»[1] یاد می‌شود. دورهٔ مذکور با روی کار آمدن «مصطفی کمال آتاتورک»[2] آغاز شد. ظهور ترکیهٔ مدرن همراه با تلاش برای به حاشیه راندن اسلام یا حذف کامل مؤلفه‌های آن، حتی از عرصه‌های خصوصی بود. این یورش به مبانی اسلامی سبب ایجاد جریان‌های اسلام‌گرا با اَشکال مختلفی گردید که البته بر مبانیِ طریقتیِ رایجی در ترکیه استوار بود. از این‌رو، این دوره برخلاف دورهٔ عثمانی، فراز و نشیب‌های مختلفی به‌خود دید که حول محور جدال «سنت و تجدد»[3] یا جدال «اسلام و سکولاریسم»[4] می‌چرخید (علی‌حسینی و عربیان، ۱۳۹۶: ۱۳۴). با وجود آنکه امپراتوری عثمانی طی سالیان متمادی توانسته بود جامعهٔ متکثری را تحت پوشش نظام سیاسیِ واحدی یکپارچه کند، ولی در اثر شکست‌های نظامی، مرد بیمار اروپا نتوانست رِدای اقتضائات دولت مدرن را بر تَن کُند و در مقابلِ امواج مدرنیته مقاومت نماید، از این‌رو دچار اضمحلال و فروپاشی شد (سلیمانی و عبادی، ۱۳۹۴: ۱۱۲).

شایان ذکر است که ترکیهٔ فعلی به‌عنوان بازماندهٔ امپراتوری عظیم عثمانی، کشوری است که دارای سابقه و تمدن بسیار کهن و ریشه‌های عمیق اسلام می‌باشد. در آغاز حکومت آتاتورک دورهٔ تجددِ آمرانه و جدایی دین از سیاست را تجربه کرد. با این حال جریان اسلام‌خواهی و گرایش به اسلام در این منطقه با توجه به ریشه‌های عمیق آن از ثبات زیادی برخوردار بوده است. اسلام‌گرایان با گرایش به تشکیل دولت‌هایی که از نوع دولت‌های میانه‌رو هستند درصدد برقراری ثبات و امنیت در کشور خود با توجه به راه‌کارهای اصیل اسلامی هستند (ولایتی، ۱۳۸۳: ۳۵۰). در ترکیه، اسلام‌گرایان با گسترش حوزهٔ نفوذ خود در عرصه‌های عمومی و استفاده از امکانات موجود جامعه؛ تشکیل مؤسسات اجتماعی؛ نهادهای خیریه؛ انجمن‌های صنفی و مدنی و احزاب سیاسی؛ فعالیت‌های اقتصادی و عُمق‌بخشی به نفوذ خود در بخش خصوصی؛ جلب اعتماد و نظر مردم از طریق شبکه‌های اجتماعی؛ به نمایش گذاشتن سلامت اخلاقی و پاک‌دستی خود در انجام مسئولیت‌های اجتماعی؛ با

1. Modern Turkey
2. Mustafa Kemal Ataturk
3. Tradition & modernity
4. Islam & Secularism

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

حضور در شوراهای شهر و اداره مطلوب شهر؛ در راه‌یابی به مجلس با رأی بالای مردم و در اختیار گرفتن دولت و ریاست جمهوری به‌تدریج راه خود را از پایین‌ترین سطوح اجتماعی تا بالاترین سطوح قدرت، با صبر و حوصله و تدبیر پیمودند (کشاورز شکری و احمدوند، ۱۳۹۲: ۱۲۸). لازم به‌ذکر است که از جمله احزاب اسلام‌گرایی که طی سالیان اخیر توانسته است در پهنهٔ سیاسی ـ اجتماعی ترکیه عرض‌اندام کند حزب عدالت و توسعه می‌باشد که در خلال انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۱/۲۰۰۲ توانست با کسب ۳۴/۲ درصد آراء به موفقیت چشمگیری نائل آید (Nas, 2008: 110) و بدون نیاز به ائتلاف با سایر احزاب، دولت تشکیل دهد. البته خودنمایی حزب عدالت و توسعه در شرایطی بود که مردم از اوضاع اقتصادی و فسادهای مالی و سیاسی ناراضی بودند و اینکه احزاب سنتیِ ترکیه نیز درگیر مباحثی همچون گفتمان کهنهٔ «ملی‌گرایی»[1] و حفظ دولت ترکیه از دشمنان خیالی بودند، از این‌رو حزب عدالت و توسعه کوشید تا خود را به‌عنوان تنها گزینهٔ مطلوب به همگان معرفی نماید (Meral & Paris, 2010: 76).

به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه به‌عنوان حزب اسلام‌گرایِ میانه‌رو در انتخابات سال ۱۳۸۱/۲۰۰۲ و تداوم این پیروزی در انتخابات سال‌های آتی، نمود عینی قدرت‌یابی این حزب در فضای سیاسی ترکیه بوده است (Baran, 2010: 46). حزب مذکور، برآمده از حزب سابق «رفاه»[2] به رهبری «نجم الدین اربکان»[3] می‌باشد که به دلیل تندروی‌های خود، طی دهه ۹۰ میلادی از طریق کودتا سرنگون شد (Perthes, 2010: 4). به‌لحاظ تاریخی، سیر فعالیت احزاب اسلام‌گرا به‌خصوص بین سال‌های ۱۳۶۱/۱۹۸۲ تا ۱۳۸۱/۲۰۰۲ به دلیل ایجاد بحران‌های ناشی از فعالیت‌های ضدسکولاری، فقدان استحکام لازم درونی و رهبری کاریزماتیک، اختلافات بین محافظه‌کاران و اصلاح‌طلبان بر سر فهم اسلام و سرانجام تضعیف حزب و فشار بیش از حدنظامیان و لائیک‌های افراطی، سرنوشتی جز انحلال توسط قانون اساسی را تجربه نکرده است (سمیعی‌اصفهانی و فرحمند، ۱۳۹۵: ۱۲۳).

از این‌رو، رهبران حزب عدالت و توسعه با نشان دادن رفتاری عمل‌گرایانه و دوری از فعالیت‌های افراطی سعی کردند تا از مسیر حرکت اسلام‌گرایانِ سابق دوری نمایند. از جمله

1. Nationalism
2. Welfare
3. Necmettin Erbakan

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

عوامل موفقیت این حزب در انتخابات سال ۱۳۸۱/۲۰۰۲ عبارت بودند از: نابه‌سامانی‌های اقتصادی و سیاسی سال‌های قبل؛ افول طبقهٔ سیاسی سنتی؛ عدم‌کارایی احزاب راست و چپ در مواجهه با چالش‌های متعدد و نیز توجه خاص این حزب به دکترین عمق راهبردیِ «احمد داوودا‌غلو»[1] (رسولی و ایمانی، ۱۳۹۴: ۱۰). اما شاید بتوان مهم‌ترین دلیل موفقیت این حزب را در میانه‌رو بودن آن دانست؛ چرا که رهبران اصلی حزب، نظیر «رجب طیب اردوغان»[2] بارها اعلام کرده‌اند که در روند قدرت، از تمامی نیروهای سیاسی ترکیه، همچون بخش خصوصی، سرمایه‌داران، اَقلیت‌های قومی ـ مذهبی، ارتش و کمالیست‌ها استفاده خواهند کرد (رسولی، ۱۳۹۳: ۵۹). قدرت‌یابی حزب عدالت و توسعه، سیاست داخلی و خارجی این کشور را با تغییراتی روبه‌رو کرده است. اردوغان با سیاست‌های اصلاح‌طلبانهٔ داخلی در تمامی اَبعاد اقتصادی، مدنی، قومیتی و فرهنگی، توانست در ذهن جامعهٔ ترکیه، حزب عدالت و توسعه را حزبی دموکرات و قانون‌گرا معرفی کند (داوودا‌غلو، ۲۰۱۰: ۱۳). در فراسوی دگردیسی‌های رخ نموده و قدرت‌یابی احزاب اسلام‌گرا در تحولات سیاسی ـ اجتماعی ترکیه، پرسشی که نگارندگان پژوهش پیش‌رو کوشیده‌اند تا با تأسی از مفروضات تئوریک لاکلائو و موفه بدان پاسخ دهند چنین ترتیب‌بندی شده است که گفتمان اسلام سیاسی چه جایگاهی را در مناسبات قدرت و ساختار حکومت ترکیه احراز کرده است؟

۲ـ ادبیات (پیشینه) پژوهش

با بررسی ادبیات موجود پیرامون مقولهٔ مشارکت احزاب اسلام‌گرا در مناسبات قدرت و ساختار حکومتِ ترکیه در میان آثار فارسی و انگلیسی، می‌توان چنین اظهار داشت که با وجود کثرت منابع در تجزیه و تحلیل وقایع، هیچ‌کدام از آثار نگارش شده موضوع مورد مداقه را از زاویهٔ تحلیل گفتمان مورد تدقیق قرار نداده‌اند و اینکه تاکنون رویهٔ غالب در بررسی جریانات اسلام‌گرای ترکیه توجه به مبانی شکل‌گیری احزاب بوده است. در مقام نقد منابع پیشین؛ «اوزبدون»[3] (۱۳۷۹/۲۰۰۰) در پژوهشی با عنوان «سیاست در ترکیه معاصر و چالش‌های تحکیم دموکراسی در این کشور»[4] سه عامل اساسیِ عدم توسعه ی سیاسی در

1. Ahmet Davutoglu
2. Recap Tayyip Erdogan
3. Ozbudun
4. Politics in Contemporary Turkey and the Challenges of Consolidating Democracy in Turkey

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

ترکیه را دخالت نظامیان در سیاست، ریشه نداشتن احزاب در جامعه و تحمیلی بودن قانون اساسی دانسته است. از دیدگاه نویسنده، دولت ترکیه به‌عنوان وارث دولت عثمانی، به‌صورت سنتی قوی‌تر از جامعه است و همین مسئله رشد جامعهٔ مدنی در ترکیه را با مشکلات ژرفی مواجه کرده است. «هاکان یاوز»[1] (۱۳۸۷/۲۰۰۹) نیز در پژوهش خود «سکولاریسم و دموکراسی اسلامی در ترکیه»[2]، چگونگی به قدرت رسیدن حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه در سال ۱۳۸۱/۲۰۰۲ در ترکیه را بررسی و به تحلیل تأثیرات سیاسی ـ اجتماعی دولتِ حزب عدالت و توسعه بر سیاست‌های داخلی ترکیه و تداوم توسعهٔ سیاسی پرداخته است. وی معتقد است که گروه‌های اسلامی و کارگزاران حزب عدالت و توسعه با تسلط بر سازمان‌ها و انجمن‌های جامعه مدنی، وضع موجود مبتنی بر شالوده‌های کمالیسم را با چالشی چشمگیر و چندوجهی مواجه ساخته‌اند. نویسنده در عین اعتقاد به چالش پایان‌ناپذیر سکولاریسم و نیروهای اسلام‌گرا، معتقد است که نگرش حزب عدالت و توسعه به دو جریان عمدهٔ بدیع است. علاوه بر موارد فوق، «توپراق»[3] (۱۳۸۴/۲۰۰۵) در پژوهشی با عنوان «اسلام و سکولاریسم ساختمان ترکیه مدرن»[4] به ریشه‌های سکولاریسم در قرن ۱۹ دوران امپراتوری عثمانی اشاره کرده است. نویسنده معتقد است که ترکیه در بین کشورهای اسلامی موقعیت ممتازی دارد چرا که تنها دموکراسیِ سکولار در میان اکثریت کشورهای مسلمان است. به نظر وی سیاست‌های دموکراسی در ترکیه طی سالیان اخیر منجر به تغییر هویت و تعدیل اسلام سیاسی شده است و همین امر به نوبهٔ خود زمینه‌های مشارکت فعالانهٔ احزاب اسلام‌گرا را فراهم آورده است و با اینکه تلاش‌های دولت ترکیه در عملکرد اقتصادی و توسعهٔ سیاسی تا حدودی موفقیت‌آمیز بوده است اما برای رسیدن به وضعیت مطلوب در عرصهٔ توسعهٔ سیاسی و دموکراسی فاصله زیادی وجود دارد.

«کنراد زاشتوت»[5] (۱۳۹۵/۲۰۱۶) در اثر خود با عنوان «پیامدهای کودتای نافرجام ارتش در ترکیه»[6] چنین اظهار داشته است که این کودتا پیامدهای مهمی برای سیاست‌های داخلی

1. Yavuz
2. Secularism and Islamic Democracy in Turkey
3. Toprak
4. Islam and Secularism Building Modern Turkey
5. Konrad Zasztowt
6. Consequences of the failed military coup in Turkey

فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

و خارجی ترکیه به همراه داشته است. به‌عبارت دقیق‌تر، این امر منجر به تثبیت و تحکیم دولت اردوغان شده است و اردوغان با استفاده از شرایط موجود و به بهانهٔ مبارزه علیه جنبش «هیزمت» و رهبر آن «فتح‌الله گولن» به حذف گروه‌هایی که تصور می‌کند در دستگاه اجرایی و ارتش مخالف وی هستند، مبادرت ورزیده است. «یوسف بوناسکی»[1] (۱۳۹۵/۲۰۱۶) نیز در مقاله‌ای با عنوان «کودتای ارتش در ترکیه؛ ملاحظات ابتدایی»[2] چنین ابراز داشته است که کودتای ۱۳۹۵/۲۰۱۶ چالشی برای جریان اسلام‌گرا، پان‌ترکیسم و نوعثمانی‌گری بوده است. از نظر وی رهبران کودتا به کوشش نافرجامی برای ممانعت از درغلتیدن ترکیه به دامان اقتدارگرایی نوعثمانی اسلام‌گرا دست یازیده‌اند. به اعتقاد وی، در بلندمدت اردوغان قدرتمندتر و مطمئن‌تر از گذشته ظاهر خواهد شد و پیامدهای کودتا در استانبول به موفقیت و پایداری فرآیند اسلامی‌سازی عمیق که اردوغان درصدد تحقق آن است، کمک خواهد کرد.

۳ـ سپهر نظری پژوهش

چارچوب نظری پژوهش، به‌مثابه پشتوانهٔ تئوریکِ موضوع مورد تدقیق، بهره‌گیری از نظریات و آراء لاکلائو و موفه در رابطه با مقولهٔ تحلیل گفتمان می‌باشد. ایشان با استفاده از زبان‌شناسی سوسور، گفتمان را مجموعه‌ای از نشانه‌هایِ مفصل‌بندی شده و پیوندیافته تعریف می‌کنند (نظامی‌اردکانی و خالدیان، ۱۳۹۷: ۶۳). از نظر ایشان، گفتمان، یک منظومهٔ معنایی است که واژه‌ها و نشانه‌های آن در کنار هم و در پیوند با یکدیگر مجموعه‌ای معنادار را می‌آفرینند. در این نظریه، مفهوم گفتمان، مجموعه‌ای گسترده از داده‌هایِ زبانی و غیرزبانی (نوشتارها، سخنرانی‌ها، اعلامیه‌ها، سیاست‌گذاری‌ها، سازمان‌ها و نهادها) را در برمی‌گیرد و آنها را مانند زبان تحلیل می‌کند؛ بنابراین، گفتمان تنها به‌معنای گزاره‌های زبانی نیست؛ مثلاً صندوق رأی در گفتمان لیبرال دموکراسی و مفهوم حجاب در گفتمان اسلام سیاسی را می‌توان از پدیده‌های گفتمانی به‌شمار آورد (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۳). لازم به‌ذکر است که گفتمان از نظر لاکلائو و موفه مجموعه‌ای از احکام نبوده، بلکه مجموعه‌ای از نشانه‌های مفصل‌بندی شده است. مفصل‌بندی فرآیندی است که به‌واسطهٔ آن، نشانه‌ها با هم پیوند می‌خورند و یک نظام معنایی را شکل می‌دهند. در مقام عمل مفصل‌بندی میان عناصر گوناگون چُنان ارتباطی ایجاد می‌کند

1. Joseph Bondaski
2. Army coup in Turkey; Basic considerations

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال نهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۸
[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

که یک کُلیت منسجم و نظام‌مند حاصل می‌شود و بدین ترتیب، یک گفتمان شکل می‌گیرد (Laclau & Mouffe, 2002: 105).

شایان ذکر است که در تحلیل گفتمان مبارزه برای دستیابی به هژمونی از طریق پروژه‌های سیاسی از اهمیت زیادی برخوردار است؛ عمده دلیل تأکید بر راهبرد سیاسی آن است که رفتارهایِ استیلاجویانه در فرآیندهای سیاسی به‌نوبهٔ خود از اهمیت زیادی برخوردار هستند و فرآیندهای سیاسی نیز متقابلاً برای شکل‌گیری و انحلال گفتمان‌ها اهمیتی حیاتی را احراز نموده‌اند. به دیگر بیان، اعمال هژمونیک نمونه‌ای از اعمال سیاسی‌اند و شامل پیوند هویت‌های متفاوت و نیروهای سیاسی به یک پروژهٔ مشترک و ایجاد نظم اجتماعی جدید از عناصر پراکنده و متنوع است (Laclau, 1990: 60). در همین رابطه ارنستو لاکلائو اعمال هژمونیک که تلاش پروژه‌های سیاسی برای تثبیت گفتمان‌های محدود و معین است را دارای دو پیش‌شرط کلی می‌داند: نخست وجود «خصومت»[1] و نیروهای متخاصم و دوم بی‌ثباتی مرزهایی که این نیروها را متمایز می‌کنند.

لاکلائو و موفه در کتاب «هژمونی و استراتژی سوسیالیستی»[2] به بحث در خصوص مقولهٔ هژمونی پرداخته‌اند.از دید ایشان کالبدشکافی دنیای جدید ما را به این حقیقت رهنمون می‌سازد که گفتمان نولیبرالیسم و جهانی‌شدن اگرچه ادعا می‌کنند که گفتمان‌هایی بدون جایگزین هستند، اما دلیل اصلی اینکه این گفتمان‌ها توانسته‌اند خود را فراتر از تاریخ و نظم اجتماعیِ ممکن به صورت طبیعی نشان دهند، تجلی مفصل‌بندیِ خاصِ قدرت می‌باشد؛ در واقع این امر به نوبه ی خود نشانگر هژمونیک بودن گفتمان لیبرالیسم می‌باشد که توانسته است خود را به‌عنوان سرنوشتی که همه باید تسلیم آن شویم، نمایان سازد. لاکلائو و موفه تئوری خود را بر بسط مفهوم هژمونی و پیامدهای آن متکی کرده‌اند و از طریق بسط این مفهوم چنین نتیجه می‌گیرند: هویتی که به کارگزاران اجتماعی داده می‌شود تنها به مفصل‌بندی در درون یک صورت‌بندی هژمونیک به‌دست می‌آید و اینکه «هیچ ثبات»[3] و عینیتی ندارند. بنابراین، فرآید هژمونی و صورت‌بندی‌های هژمونیک نیز خود موقتی هستند؛ فلذا هیچ‌گاه جامعه به تثبیت نهایی نخواهد رسید (صالحی‌نجف‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۸۹). متأثر

1. Antagonism
2. Hegemony and Socialist Strategy
3. Islocation

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

از مطالب فوق و در جهت فهم بنیان‌های تئوریک پژوهش پیش‌رو، در ادامه و به فراخور مهم‌ترین گزاره‌های مدنظر لاکلائو و موفه که شامل مفصل‌بندی، دال و مدلول، دال مرکزی، دال شناور و ضدیت و غیریت است را از نظر خواهیم گذراند:

الف) مفصل‌بندی[1]

کُنشی که میان عناصر مختلف (مفاهیم، دال‌ها و نمادها) چنان رابطه‌ای ایجاد می‌کند که هویت اولیهٔ آنها دگرگون شده و هویتی جدید بیابند. از این‌رو، هویت یک گفتمان در اثر رابطه‌ای شکل می‌گیرد که از طریق عمل مفصل‌بندی میان عناصر گوناگون به‌وجود می‌آید. در فرآیند مفصل‌بندی، گفتمان‌ها دال‌های شناور در عرصهٔ اجتماع را همانند قطعات به‌هم ریختهٔ پازل به‌گونه‌ای کنار هم می‌چینند که معنایی همه‌فهم و تصویری روشن از نظام سیاسی ـ اجتماعی به‌دست دهد (کسرایی، ۱۳۹۰: ۲۳۰)؛

ب) دال و مدلول[2]

مفهوم مزبور در نظریهٔ لاکلائو و موفه نقش کلیدی را ایفا می‌کند. دال‌ها اشخاص و مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی هستند که در چارچوب گفتمانی خاص، بر معانی خاصی دلالت می‌کنند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌کند، مدلول نامیده می‌شود. مدلول نشانه‌ای است که شخص با دیدن آن دال مورد نظر را می‌تواند به‌خوبی معنا نماید (فلاحی، ۱۳۹۴: ۸۸)؛

پ) دال مرکزی[3]

دالِ مرکزی نقطهٔ کلیدی و هویت‌بخش در یک گفتمان است که نشانه‌های دیگر در سایهٔ آن نظم پیدا می‌کنند و با هم مفصل‌بندی می‌شوند (سلطانی، ۱۳۹۱: ۷). به دیگر بیان، دال مرکزی مانند یک عمود برای چادر است که اگر برداشته شود، چادر فرو می‌ریزد (Dabirimehr & Ta-batabaei, 2014: 1284). بنابراین تعریف، اسلام سیاسی گفتمانی است که اسلام را در کانون

1. Articulation
2. Signifier & Signified
3. Nodal Point

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

هویت و عمل سیاسی قرار داده و در مقابل گفتمان سکولار و لیبرالی صف‌آرایی کرده است؛

ت) دال شناور[1]

نظریهٔ گفتمان آن عنصرهایی را که بر روی انتساب معانی گوناگون باز است را دال‌های شناور یا سیال می‌نامد (Laclau, 1990: 28). دال شناور نشانه‌هایی هستند که گفتمان‌های مختلف تلاش می‌کنند تا به آن‌ها به شیوهٔ خاص خود معنا بخشند، گفتمان‌هایی که بتوانند با جذب این دال‌ها به ابهام و خلاء معنایی موجود پایان بخشند و در دسترس عاملان اجتماعی قرار گیرند و امکان هژمونیک شدن آن‌ها فرآهم می‌شود (خواجه‌سروی و رحمنی، ۱۳۹۲: ۱۲۹)؛

ث) ضدیت[2] و غیریت[3]

فهم نظریه گفتمان اساساً بدون مفاهیم ضدیت و غیریت امکان‌پذیر نیست. هر گفتمانی ضرورتاً به گفتمان رقیب دیگر نیاز دارد تا به‌واسطهٔ آن هویت یابد. هیچ جامعهٔ یکدستی را نمی‌توان متصور شد که در آن فقط یک گفتمان یا تنها یک نوع جهان‌بینی و طرز تفکر حاکم باشد. هر گفتمانی به‌منظور هویت یافتن به ناچار شروع به تولید دشمن برای خود می‌کند. البته گاه گفتمان‌ها بیش از یک غیر دارند و مجموعه‌ای از غیریت‌ها برای هویت‌یابی در شرایط مختلف استفاده می‌کنند (دارا و کرمی، ۱۳۹۲: ۱۰۷). از این‌رو می‌توان بین غیرخارجی و غیرداخلی تمایز قائل شد. شایان ذکر است که ایجاد غیریت‌سازی از سه جهت برای نظریهٔ گفتمان اهمیت محوری دارد: اولاً خلق رابطهٔ غیریت‌سازانه که همواره شامل تولید دشمن یا دیگری است که برای تأسیس مرزهای سیاسی دارای اهمیت به‌سزایی است؛ ثانیاً تشکیل روابط غیریت‌سازانه و تثبیت مرزهای سیاسی، برای تثبیت جزئی هویت‌های گفتمانی و عاملان اجتماعی اهمیت اساسی دارد؛ ثالثاً آزمودن غیریت‌سازی مثال خوبی است برای نشان دادن محتمل‌الوقوع بودن هویت (مشهودی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۷۷). به‌عنوان مثال انقلاب اسلامی غیریت خود را گفتمان لیبراییسم یا لیبرال دموکراسی غرب قرار داده است. به تعبیر دیگر امام خمینی (ره) با بازتعریف گفتمان اسلام سیاسی و شیعی در قالب گفتمان اسلام ناب

1. Floating Signifier
2. Antagonism
3. Otherness

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

محمدی، از منازعهٔ خُرده گفتمان‌ها در درون جهان اسلام ممانعت و رقیب هویتی و گفتمانی خود را غرب قرار داد. همچنین گفتمان غرب نیز برای پویایی نیاز به گفتمان رقیب دارد که قبلاً این رقیب سوسیالیسم بود؛ اما با فروپاشی آن، گفتمان اسلام سیاسی جایگزین آن شد.

بنابر مطالبی که از نظر گذشت می‌توان چنین اظهار داشت که تئوری لاکلائو و موفه، نظریه‌ای منسجم است که ابزارِ تحلیلی مناسبی برای تحلیل پدیده‌های سیاسی ـ اجتماعی در سطح کلان را فرآهم می‌کند. این نظریه به دلیل تأکید بر هویت به‌عنوان یک مدل مطلوب، سیاستِ فرهنگی برای جامعه‌شناسی جدید شناخته شده است(نش، ۱۳۸۴: ۴۷). در این نظریه هویت در نتیجهٔ تنازع گفتمانی شکل می‌گیرد. البته این امر محصول پیروزی یک گفتمان است که لازمهٔ این غلبه و پیروزی نیز قابلیت دسترسی یعنی در دسترس بودن در موقعیتی است که هیچ گفتمان دیگری خود را به‌عنوان جایگزین آن نشان ندهد (امیدی و احمدی‌نژاد، ۱۳۹۷: ۲۶). به این ترتیب مرزهای یک گفتمان و انسجام آن بازتابی از خصلت‌های درونی آن نیست، بلکه دال‌های گفتمانی یک گفتمان در جریان تنازع با دال‌های بدیلی که آنها را تهدید می‌کنند، برساخته می‌شوند (صادقی‌فسایی و روزخوش، ۱۳۹۲: ۲). با تأسی از گزاره‌هایِ تئوری لاکلائو و موفه، در پرتو مفاهیم و معناها در ادامه کوشش شده است تا زمینه‌ها و نمودهای کنشگری جریانات اسلام‌گرا در ساخت سیاسی ترکیه طی سالیان اخیر از نظر گذرانده شود.

۴ـ اسلام‌گراییِ حزبی در ترکیه؛ ریشه‌ها و علل

به‌لحاظ تاریخی نخستین جرقه‌های رسمیِ ایجاد احزاب اسلام‌گرا در ترکیه توسط نجم‌الدین اربکان (پدر معنوی حزب عدالت و توسعه) در سال ۱۳۴۸/۱۹۷۰ با تشکیل حزب سلامت ملی کلید خورده است (Yavuz, 2003: 45). حزب سلامت ملی که با توجه به ارزش‌های اسلامی تأسیس شده بود، حدود ده سال فعالیت داشت و طرفدارانی در بین مسلمانان ترکیه پیدا کرده بود. کودتای ۱۳۵۸/۱۹۸۰ ارتش ترکیه موجب توقف فعالیت‌های حزب سلامت ملی شد. همچنین عملیات تبلیغاتی وسیعی علیه رهبران و طرفداران این حزب انجام گرفت. از این رو بود که اربکان فعالیت‌های خود را به‌دنبال تعطیلی فعالیت حزب سلامت با تأسیس حزب جدید رفاه تداوم بخشید (Mac Donald, 2012: 113). موفقیت اربکان در انتخابات پارلمانی سال ۱۳۷۵/۱۹۹۶ مسیر تشکیل کابینهٔ ائتلافی را برای وی فرآهم ساخت. وی

فصلنامه علمی ـ پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

جایگاه نخست وزیری را در دولت وقت به دست آورد؛ اما پیروزی حزب رفاه در انتخابات کارشکنی‌ها را علیه این حزب متوقف نساخت. البته کارشکنی‌های رخ نموده منشأ داخلی و خارجی داشت؛ لائیک‌ها در ترکیه و برخی از دُوَل غربی موانعی را پیش‌روی دولت اربکان ایجاد کرده بودند. کشورهای غربی موفقیت اسلام‌گرایان را در ترکیه تحمل نمی‌کردند. نظامیان نیز در داخل این کشور به دنبال برکناری دولت اربکان بودند؛ لذا دولت وی با کودتای سفیدی که ارتش مدیریت می‌کرد، برکنار شد. سقوط دولت با انحلال حزب رفاه از سوی دادگاه قانون اساسی همراه شد. اربکان و اردوغان به دنبال کودتای ارتش زندانی شدند. اردوغان در آن زمان معاونت حزب رفاه را بر عهده داشت (عبداله و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۰۶).

اسلام‌گرایان پس از انحلال حزب رفاه به تأسیس حزب جدیدی تحت عنوان حزب فضیلت اقدام کردند. «رجایی کوتان» رهبری حزب فضیلت را در دست داشت. حزب تازه تأسیس نیز از سوی دادگاه قانون اساسی مورد هدف قرار گرفت و مُنحل شد. دو گروه عمدهٔ محافظه‌کاران و اصلاح‌طلبان در داخل حزب فضیلت تفاوت دیدگاه‌هایی داشتند. رهبری محافظه‌کاران بر عهدهٔ «رجایی کوتان» و رهبری اصلاح‌طلبان بر عهدهٔ عبدالله گل بود. تفاوت در تفسیر اسلام در حیات جامعه اختلاف عمدهٔ طرفین را شکل می‌داد. این اختلافات موجب جدایی دو گروه در قالب دو حزب جدید شد (واعظی، ۱۳۹۳: ۵). از این‌رو بود که حزب عدالت و توسعه و حزب سعادت به دنبال این مسئله تأسیس شدند.

رهبران آک پارتی علی‌رغم ماهیت این حزب برای غلبه با محدودیت‌هایی که علیه احزاب اسلام‌گرا وجود داشت، گفتمان نوینی را پایه‌ریزی کردند تا چارچوب‌های لائیک ترکیه به مقابله با حزب عدالت و توسعه اقدام نکنند (Keyman, 2007: 217). عبدالله گل نیز پس از تأسیس این حزب اعلام کرده بود که آک پارتی حزبی دینی به‌شمار نمی‌رود. وی بر فراگیر بودن گفتمان این حزب تأکید کرده و آن را نمایندهٔ همهٔ مردم خوانده بود (نورالدین، ۱۳۹۲: ۱۵۴). اساسنامهٔ حزب عدالت و توسعه به آزادی‌های سیاسی، گسترش خدمات اجتماعی، آموزش همگانی و امنیت اجتماعی تأکید دارد. یکی از مهم‌ترین عوامل مانایی این حزب در ترکیه و توانایی آن برای مقابله با ساختارهای سکولار این کشور نیز به گفتمان نوین آک پارتی مربوط می‌شود که قدرت رویارویی را به این حزب در مقابل احزاب دیگر داده است.

۵ـ حزب عدالت و توسعه؛ مهم‌ترین حزب اسلام‌گرایِ ترکیِ تکیه زده بر اریکهٔ قدرت

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

همانطور که در خلال سطور بالا ذکر شد از میان احزاب اسلام‌گرایِ ترکی، طی دو دهۀ اخیر، حزب عدالت و توسعه توانسته است بنا به تحرکاتی که داشته است قدرت سیاسی ترکیه را قبضه نماید و به‌نوعی سایر احزاب را به حاشیه براند. به نگاهی کالبدشکافانه می‌توان چنین اظهار داشت که رویکرد سیاسی و اقتصادی حزب عدالت و توسعه نشان از آن دارد که رهبران این حزب رویۀ راست‌نو را در پیش گرفته‌اند؛ که اتخاذ این مسیر با آموزه‌های اصیل اسلامی زوایه پیدا می‌کند (Fikir, 2010: 23). رهبران حزب عدالت و توسعه نگاهی دموکراتیک دارند؛ بدین ترتیب که رهبران این حزب بر این باور هستند که حیات دینی در جامعۀ ترکیه بدون توجه به آزادی و دموکراسی نمی‌تواند ایجاد شود. از نظر پیروان آک پارتی، لائیسیته‌ای که طرفداران کمالیسم بر جامعه تحمیل کرده بودند، با اهرم‌های قضایی و نظامی اجرایی می‌شد و اینکه این خوانش از لائیسیته با سکولاریسم نیز همخوانی نداشت؛ چرا که آن نوع از لائیسیته در عمل نوعی از بی‌دینی را تحمیل می‌کرد. این در حالی است که دولت سکولار لازم است در قبال باورهای مختلف جانب بی‌طرفی را رعایت کند (Isgandarova, 2014: 210).

یکی دیگر از مباحث و مسائلی که مورد توجه آک پارتی قرار گرفته است، مقولۀ دوری از تنش می‌باشد. دوری از تنش به‌ویژه در برنامه‌های دورۀ نخست دولت رجب طیب اردوغان مورد تأکید قرار گرفته بود. این موضوع موجب شد که گروه‌هایِ مخالف حزب عدالت و توسعه در اثبات اتهامات خود علیه این حزب موفق نباشند. مخالفان آک پارتی امید داشتند که با همراهی نظامیان و سکولارها می‌توان موانعی در مسیر اقدامات حزب عدالت و توسعه ایجاد کنند؛ اما مَشی این حزب مانع تحقق این موضوع شد. آک پارتی در انتخابات پارلمانی ۱۳۸۴/۲۰۰۷ مَشی معتدل خود را به‌صورت واقعی به نمایش گذاشت و ۱۵۶ نفر از نمایندگانی که در این حزب رویکردهای افراطی داشتند، از لیست نامزدهای خویش کنار گذاشت. جایگزین شدن شخصیت‌های میانه‌رو و تکنوکرات، مَشی اعتدالی حزب را هویدا ساخت (اکبری، ۱۳۹۴: ۱۷۶).

نکتۀ قابل‌توجه آن است که آک پارتی دوری از تنش را صرفاً در حوزۀ سیاست داخلی دنبال نمی‌کند، بلکه این موضوع در سیاست خارجی این حزب نیز قابل مشاهده است. جهت‌گیری‌های ترکیه در حوزۀ سیاست خارجی بیشتر غرب‌گرا محسوب می‌شود.بنظرچنین

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

می‌رسد که آنکارا مواجهۀ مستقیم با ایالات‌متحده و متحدان آن را برخلاف منافع ترکیه می‌داند. مناسبات کنونی ترکیه با واشنگتن و رژیم صهیونیستی به خوبی این موضوع را به اثبات می‌رساند که حزب عدالت و توسعه علاقۀ چندانی به تنش‌زایی در محیط منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ندارد (عبداله و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۰۹). از این رو بود که روابط آنکارا با رژیم صهیونیستی طی سال‌های اخیر پیشرفت چشمگیری را تجربه کرده است؛ حزب عدالت و توسعه در حالی که با گروه‌های فلسطینی نیز روابط مستحکمی ایجاد کرده است، به ارتباط خود با رژیم صهیونیستی تداوم بخشیده است. روابط ترکیه و این رژیم به دنبال پیمان راهبردی ۱۳۷۵/۱۹۹۶ شکل جدیدی به خود گرفته است تا جایی که قراردادهای اقتصادی و امنیتی پس از پیمان مذکور منعقد شده است (Salivan, 2008: 11). همچنین باید اذعان داشت که جایگاه حزب عدالت و توسعه به‌عنوان حزب حاکمِ ترکیه طی دوره‌های مختلف در سیاست‌های منطقه‌ایِ ایالات‌متحده تا حدود زیادی حفظ شده است. این موضوع پس از وقوع بحران سوریه به صورت ملموسی قابل مشاهده است (Schenker, 2011: 48).

لازم به‌ذکر است که گرچه حزب عدالت و توسعه حزبی اسلام‌گرا محسوب می‌شود؛ با این حال تفاوت‌های اساسی با اَسلاف خود از جمله دولت نجم‌الدین اربکان دارد. از جمله تفاوت‌هایی که بین حزب عدالت و توسعه و دیگر احزاب اسلامی وجود دارد می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

R	مؤلفه	حزب عدالت و توسعه	حزب سعادت	حزب رفاه
۱	دموکراسی	ـ تأکید بر حقوق فردی، حقوق اقلیت‌ها و جامعه مدنی؛ ـ رد صریح کاربرد دین برای حوزه‌های سیاسی؛ ـ اشارۀ جزئی به حقوق دینی و مسئلۀ سکولاریسم.	ـ تأکید بر دموکراسی و حقوق فردی بدون اشاره به جامعۀ مدنی؛ ـ تأکید بر مسئلۀ سکولاریسم و چگونگی تعریف آن؛ ـ تأکید بر آزادی های مذهبی.	ـ عدم اشاره به حقوق فردی و انسانی؛ ـ تأکید بر حقوق و آزادی‌های اجتماعی به‌ویژه در حوزه‌های دینی.
۲	اقتصاد و نقش دولت در آن	ـ نقش دولت به‌عنوان ناظر و هماهنگ کنندۀ اقتصاد؛ ـ تأکید بر خصوصی‌سازی و اصلاحات ساختاری.	ـ تأکید بر دولت رفاه؛ ـ تأکید بر اقتصاد دولت‌محور.	ـ قائل به وجود نقش بازتوزیعی برای دولت؛ ـ نقش فعال دولت در کمک به توسعۀ اقتصادی؛ ـ تأکید بر اقتصاد دولتی.

فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

۳	ملی‌گرایی	ـ علایق ملی‌گرایی ضعیف؛ ـ انجام اصلاحات بر اساس معیارهای مکتب کپنهاگ؛ ـ تأکید بر نیاز ترکیه برای حرکت در مسیر موازی با جریان‌های جهانی.	ـ علایق ملی‌گراییِ معتدل؛ ـ از علایق ملی‌گرایی برای توجیه برنامه‌ها استفاده می‌شود؛ ـ تأکید بر پیوستن به اتحادیه اروپا.	ـ علایق ملی‌گراییِ بسیار قوی؛ ـ تصور ترکیه به‌عنوان رهبر جهان اسلام.
۴	مذهب و ارزش‌های اخلاقی	ـ تعریف هویت خودی به‌عنوان افرادی محافظه‌کار و دموکراتیک؛ ـ تأکید بر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی به‌عنوان عواملی تأثیرگذار در کارکرد بهتر سیستم؛	ـ تأکید بر ارزش‌های اخلاقی به‌عنوان مهم‌ترین راه‌حل برای بیشتر مشکلات و به‌ویژه پدیدهٔ فقر؛ ـ حمایت از دین و نقد پدیدهٔ مادی‌گرایی.	ـ تأکید شدید بر ارزش‌های اخلاقی؛ ـ تأکید بر ارزش‌های اسلامی.

تحول گفتمانی احزاب اسلام‌گرای ترکیه پیش و پس از کودتای ۱۳۷۷/۱۹۹۸ (امام جمعه‌زاده و دیگران، ۱۳۹۲: ۵۶)

منبعث از نوع مقایسه‌ای که ذکر شد، در نگاهی کلی، اصول اساسی حزب عدالت و توسعه را می‌توان به شرح ذیل ترتیب‌بندی کرد:

۱) پیگیری نقش محوری در منطقه؛

۲) چندجانبه‌گرایی و توجه به کشورهای مسلمان؛

۳) تعریف نقش میانجی‌گر در مسائل منطقه‌ای؛

۴) حرکت به سمت تعادل‌بخشی در نوع نگاه به سیاست‌های غرب‌آسیا و اروپا؛

۵) ارائهٔ الگو برای کشورهای مسلمان؛

۶) تلاش برای کاهش مشکلات با همسایگان.

۶ـ تبیین عملکرد حزب عدالت و توسعه در مناسبات قدرت و ساختار حکومت ترکیه

پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در سال ۱۳۸۱/۲۰۰۲، تلاش‌هایی ژرف برای گسترش پروسهٔ دموکراتیزاسیون در ترکیه انجام گرفت. در کنار نیازها و فشارهای داخلی و تحولات جهانی، بحث پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا نیز عامل مهمی در انجام اصلاحات بود. همچنین، حزب عدالت و توسعه از ابزار اصلاحات برای به حاشیه راندن رُقبای داخلی

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

کمالیست خود (ارتش، نهادهای قضایی و احزاب اپوزیسیون کمالیست) بهره‌برداری کرد و توانست ارتش و نظامیان را مطیع حکومت مدنیِ انتخابی خود کند. اصلاحات داخلی این حزب، در سال‌های حکمرانی‌اش، تبعات مثبتی بر روند دموکراتیزاسیون ترکیه گذاشت، اما به‌تدریج که این حزب به بازتولید قدرت پرداخت، گرایشات اقتدارگرایانه‌ای از خود بروز داده است؛ بطوریکه گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی نشان از آن دارد که وضعیت شاخص‌های دموکراسی و حقوق بشر در دورهٔ حکمرانی این حزب چندان قابل دفاع نیست و حتی در برخی شاخص‌ها روند پَسرفت دیده می‌شود. توضیح اینکه بر اساس گزارش «خانه آزادی»[1] در سال ۱۳۹۳/۲۰۱۴ در زمینهٔ آزادی مطبوعات، ترکیه از کشوری نیمه‌آزاد به جرگهٔ کشورهای غیرآزاد پیوسته است. این کشور رتبه ۱۳۴ را در میان ۱۹۷ کشور بررسی شده کسب کرده است؛ یعنی عقب‌تر از کشورهایی همچون نیجریه، لبنان، تونس، کنیا، لیبریا، اوگاندا، الجزایر و کویت. این در حالی است که در سال ۱۳۹۲/۲۰۱۳ ترکیه رتبهٔ ۱۲۰ را از میان کشورهای موجود به خود اختصاص داده بود (Eligur, 2014: 152). علاوه بر مورد مزبور، خانهٔ آزادی در گزارش بعدی خود در سال ۱۳۹۵/۲۰۱۶ نیز به دستگیری روزنامه‌نگارانِ روزنامهٔ مشهور جمهوریت به اتهام مربوط به تروریسم، به دلیل انتشار گزارشی در خصوص ارسال سلاح به سوریه از سوی سرویس‌های امنیتی ترکیه و حملهٔ گروهی از افراد به روزنامه حریت در سپتامبر ۲۰۱۵/مرداد ۱۳۹۴، به‌عنوان نمونه‌ای درخور توجه اشاره کرده است (Freedom of the Press Turkey, 2016).

«گزارش‌گران بدون مرز»[2] نیز در ژانویه ۲۰۱۴/دی ۱۳۹۲ به زوال آزادیِ مطبوعاتِ تحت حاکمیت حزب عدالت و توسعه پرداخته‌اند. بر اساس این گزارش، ترکیه از نظر آزادی مطبوعات و رسانه‌ها در سال ۱۳۸۲/۲۰۰۳ در رتبهٔ ۱۱۶ قرار داشت، اما در سال ۱۳۹۳/۲۰۱۴ به رتبهٔ ۱۵۴ در میان ۱۷۹ کشور سقوط کرده است، یعنی عقب‌تر از کشورهایی نظیر: قطر، افغانستان و عراق. این گزارش اعلام کرده است که ترکیه به بزرگ‌ترین زندان روزنامه‌نگاران تبدیل شده است (Eligur, 2014: 152). همچنین طبق ارزیابی «اکونومیست»[3]، ترکیه به‌عنوان «رژیمی دورگه» تعریف شده است که دارای رتبهٔ ۸۸ در میان ۱۶۷ کشور دنیاست. رژیم‌های

1. Freedom House
2. Reporters Without Borders
3. Economist Intelligence unit's Index of democracy

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

دورگه[1]، رژیم‌هایی هستند که برخی از مظاهر دموکراسی و انتخابات را حفظ کرده، اما در حقیقت اقتدارگرا هستند، چون فرصت‌ها و راه‌های محدودی برای کنار زدن حزب حاکم باقی گذاشته‌اند (اشرف نظری و سلیمی، ۱۳۹۵: ۱۴). لازم به ذکر است که تداوم روندهای موجود، موجب تضعیف دموکراسی و هم‌زمان تشدید شکاف‌های داخلی در این کشور راهبردی خواهد شد. کما اینکه نوع سیاست‌ورزی نظریه‌پردازان حزب عدالت و توسعه در خصوص مقولهٔ اکراد و علوی‌ها چالش‌هایی را به‌وجود آورده است.

۶ـ ۱ـ مقولهٔ اَکراد و علوی‌ها؛ مهم‌ترین چالش پیش‌روی حزب عدالت و توسعه

مسئله اَکراد همواره یکی از مسائل اصلیِ تاریخ ترکیهٔ مدرن بوده است و نقش عمده‌ای را در سیاست داخلی و سیاست خارجی این کشور راهبردی ایفا کرده است. به‌لحاظ تاریخی ریشهٔ این مسئله به فرآیند شکل‌گیری دولت ـ ملت مدرن با ایدئولوژی ملی‌گرایی قومیِ ترکی بر می‌گردد که منجر به اِنکار هویت‌های غیرترکی، به‌ویژه کردها و سرکوب هرگونه مطالبات آنها در همان اوایل جمهوری تازه تأسیس ترکیه شد. در همین رابطه «عصمت اینونو»[2] از نزدیکان و جانشین مصطفی کمال مشهور به آتاتورک، موضع رسمی دولت ترکیه را در سال ۱۳۰۲/۱۹۲۵ بدین‌گونه خلاصه کرد: «ما به صراحت می‌گوییم که ملی‌گرا هستیم و ملی‌گرایی تنها فاکتور همبستگی و انسجام ماست. در برابر اکثریت تُرک، هیچ عنصر و گروه دیگری نقوذی ندارد، ما باید همهٔ ساکنان سرزمین‌مان را به هر قیمتی تُرکیزه کنیم و ما باید آن کسانی را که مخالف تُرک‌ها و تُرکیسم هستند، نابود کنیم» (Barkey & Fuller, 1998: 10). در همین رابطه تلاش‌های گسترده‌ای برای تُرک معرفی کردن کُردها و بازنویسی کتاب‌های تاریخ و معمول شدن عبارت «تُرک کوهی» برای کردها در ادبیات رسمی در ترکیه صورت گرفت. این رویهٔ انکار و سرکوب تا دهه‌های متمادی ادامه داشت. برای نمونه می‌توان به فرهنگ لغت ترکیِ انتشار یافته در سال ۱۳۴۹/۱۹۷۱ اشاره کرد که در آن، کرد را مردمی تُرک که زبان‌شان به نوعی فارسی شکسته تغییر یافته، معرفی کرده است (Ozcan, 2006: 68).

البته باید توجه داشت که پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، به تدریج شاهد معتدل‌تر شدن رویکرد دولت نسبت به مطالبات کردهای این کشور بوده‌ایم. این رویکرد

1. Human Rights Watch (HRW)
2. Ismet Inonu

فصلنامه علمی ـ پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

معتدل موجب گُشایش‌هایی در عرصه‌های مختلف نسبت به کُردها شد. در همین خصوص تلاش‌های قابل‌توجهی مانند پروسهٔ مذاکرات و آشتی میان بازیگران سیاسی کُردی و حزب حاکم در آنکارا (مانند حادثهٔ هابور در سال ۱۳۸۷/۲۰۰۹، گفت‌وگوهای اوسلو و مذاکرات اوجالان از سال ۱۳۹۲/۲۰۱۳) برای حل و فصل مسئلهٔ کُردی صورت گرفت. البته در همین دوره نیز سرکوب سیاسی اَکراد تداوم پیدا کرد که در این مورد می‌توان به فشار بر اپوزیسیون سیاسی کُرد و انحلال حزب «جامعهٔ دموکراتیک»[1] به وسیله دادگاه قانون اساسی، دستگیری عدهٔ زیادی از طرفداران «حزب صلح و دموکراسی»[2] بعد از سال ۱۳۸۷/۲۰۰۹ به‌عنوان جزئی از عملیات‌های ضد «اتحادیه جوامع کردستان»[3] که تشکلی وابسته «PKK» است و محاکمه آنها اشاره کرد (Loizides, 2010: 520).

شایان ذکر است که نوع نگاه رهبران حزب عدالت و توسعه نسبت به اَکراد در چارچوب رویکرد امت‌محورانه و برادری اسلامی جریان‌های اسلام‌گرای پیشین تُرک قابل تبیین و ترتیب‌بندی است. برای نمونه اردوغان در سخنرانی فوریه ۲۰۰۸/بهمن ۱۳۸۶ در شهر کُردنشین حکاری ابراز داشت که: «ما گفتیم یک ملت، یک پرچم، یک سرزمین مادری و یک دولت. آنهایی که مخالف این هستند، باید از این کشور بروند» (Bahcheli & Noel, 2011: 116). وی همچنین در سخنانی در مارس ۲۰۱۵/اسفند ۱۳۹۳ مُنکر مسئلهٔ کُردها در ترکیه شد و ابراز داشت که اَکراد تنها ملت در ترکیه نیستند، بلکه ۳۶ قومیت دیگر در ترکیه وجود دارد. ما همه زیر سقف جمهوری ترکیه جمع شده‌ایم. ما چه می گوییم؟ ما می گوییم یک ملت، یک پرچم، یک سرزمین مادری (وطن). بعضی در پذیرفتن این امر مقاومت می‌کنند و مسئله کردی را از این موضوع خلق می‌کنند، برادران کُردم نباید در این دام بیفتند (Today's Zaman, March 23, 2015). به بیانی روشن‌تر می‌توان چنین ابراز داشت که این نوع از نگاه ایدئولوژیک به مسئلهٔ اکراد که ریشه در ملغمه‌ای از ملی‌گرایی ترکیِ و اسلام‌گراییِ سُنی دارد، حاضر به پذیرش اقلیت متمایزی به نام اکراد نبوده و عمدتاً با تکیه بر اشتراکات مذهبی، سعی در پاک کردن صورت مسئله و پافشاری بر یکی بودن تمام گروه‌های قومی ترکیه، زیر چتر هویت رسمی تُرک دارد.

1. DTP
2. BDP
3. Kurdistan Communities Union

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

علاوه بر مسئله اَکراد، مسئله علوی‌ها نیز از جمله مواردی می‌باشد که نوع کنشگری حزب عدالت و توسعه را طی سالیان اخیر تحت تأثیر خود قرار داده است. شایان ذکر است که از جمله مواردی که بر روابط فی مابین اثرگذار واقع شده است مقولهٔ تقویت و گسترش اسلام‌گرایی سُنی در جامعه و دولت است که موجب گسترش علوی‌گرایی سیاسی شده است. البته طی سالیان اخیر بحران سیاسی ـ امنیتی سوریه نیز که توأم با اظهارات گزندهٔ برخی از مقامات حزب عدالت و توسعه علیه علوی‌ها بوده است، شکاف بین علوی‌های ترکیه و دولت را تشدید کرده است. البته در دورهٔ زعامت حزب عدالت و توسعه، وضعیت اقلیت‌های مذهبی و قومی نسبت به گذشته بهبود یافت، اما این مسئله بیشتر در خصوص وضعیت غیرمسلمانان ترکیه صدق می‌کند. به‌عنوان نمونه، حکومت در سال‌های اخیر قسمتی از دارایی‌هایی را که در قرن ۲۰ متعلق به کلیساهای مذهبی بوده و مورد توقیف قرار گرفته بود به آنها برگردانده و از صاحبان دارایی‌ها حمایت کرده است، اما در خصوص علوی‌ها، کمتر شاهد چنین پیشرفت‌هایی بوده‌ایم (Azak, 2010: 139). برای مثال بر اساس قوانین ترکیه، حکومت موظف به حمایت و نگهداری از مساجد است. حزب عدالت و توسعه، قوانین را بَسط داد تا شامل کلیساها و کنیسه‌ها نیز بشود، اما مکان عبادت علویان از این قوانین کنار گذاشته شده است. هرچند جامعه و فعالین علوی، تلاش‌ها و درخواست‌هایی مبنی بر حمایت و دادن یارانه به جمع خانه‌ها از سوی دولت ارائه کردند، اما حزب عدالت و توسعه، نه‌تنها چنین خواسته‌هایی را رد کرد، بلکه «مصطفی البایرک»[1] نماینده پارلمان از حزب عدالت و توسعه، چنین یارانه‌هایی را یارانه به پرستش‌گاه‌های شیاطین خواند. علاوه بر این، رهبری حزب عدالت و توسعه نیز هیچ‌گاه احساس صمیمی به علویان بروز نداده است، به‌طوری که «رحا جامو اوغلو»[2] روشنفکر علوی که از لیست حزب عدالت و توسعه به پارلمان راه یافته بود، در سال ۱۳۸۵/۲۰۰۷ به دلیل تعصب مقامات این حزب نسبت به علویان استعفا داد (Cagaptay, 2014).

علاوه بر موارد فوق، جنگ سوریه و غلظت گفتارهای اسلام‌گرایانهٔ حزب عدالت و توسعه نسبت به دولت دمشق و اقلیت علویِ حاکم بر این کشور، به تشدید بدبینی‌ها نسبت به علویان در داخل ترکیه و تعمیق شکاف و خودآگاهی سُنی ـ علوی طی سالیان اخیر انجامیده

1. Mustafa Albayrak
2. Reha Camuroglu

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

است. حتی مناطق هاتای (اسکندرون) که نیم میلیون عرب علوی ساکن آن هستند، در سالهای قبل شاهد تنش‌ها و تظاهرات‌هایی بر علیه کمپ‌های اپوزیسیون و آواره‌های سُنیِ عربِ سوری، از سوی بخشی از علوی‌ها با گرایش چپ بوده است. علاوه بر این، جماعت علویِ هاتای همدلی بیشتری با بشار اسد داشته و مخالف رویارویی آنکارا با رژیم دمشق بوده‌اند و تظاهرات مختلفی نیز علیه حمایت از مخالفان سوری انجام داده‌اند (Abaza & Cagaptay, 2012). «عزالدین دوغان» رئیس مهم‌ترین «بنیاد علوی»[1] چنین ابراز داشته است که ریاست امور مذاهب ترکیه، نسخهٔ اسلام سعودی را در آغوش گرفته است. این از مهم‌ترین مشکلات ترکیه است که دولت به شکل نظام‌مند، فرهنگ اسلامی ـ عربی را بر مردم ترکیه تحمیل می‌کند. آنها سعی می‌کنند تصویری منفی از اسلامِ علوی در ترکیه ایجاد کنند (Daloglu, 2012).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

1. Cem Foundation

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

نتیجه‌گیری

اثر پیش‌رو با هدف بررسی مهم‌ترین احزاب اسلام‌گرای مؤثر بر ساختار سیاسی و قدرت ترکیه چنین نتیجه گرفته است که حزب عدالت و توسعه بنا به تحرکاتی که داشته است قادر گردیده است که پس از انتخابات سال ۱۳۸۲/۲۰۰۳ با تأسی از انگاره‌هایی همچون: نوع خوانش منحصر به فرد نسبت اسلام، نگاه دموکراتیک حزب، تلاش برای دوری از تنش و تفاوت نگرش حزب نسبت به اَسلاف خود، توانست خود را به‌عنوان یکه‌تاز عرصهٔ سیاست و اجتماع ترکیه به همگان معرفی نماید. تأثیرات انگاره‌هایی که ذکرشان رفت آن است که حزب عدالت و توسعه با نوع خوانش خود از اسلام به دنبال حمایت از اسلام اخوانی در مقابل اسلام شیعی است. همچنین نگاه دموکراتیک حزب عدالت و توسعه نیز موجب شده است که این حزب لائیسیته را مورد توجه خویش قرار دهد، لذا آک پارتی خود را با اصول سکولاریسم هماهنگ کرده است. تلاش حزب عدالت و توسعه برای دوری از تنش نیز راهبرد اتحاد با ایالات‌متحده و رژیم صهیونیستی را به دنبال داشته است.

البته نوع موضع‌گیری مقامات ارشد حزب عدالت و توسعه در برخی موارد همچون مقولهٔ اَکراد و علوی‌ها، چالش‌های ژرفی را به دنبال داشته است. گرایش‌های اسلام‌گرایانه (سُنی‌محورانه) رهبران حزب عدالت و توسعه و اظهارات منفی آن ها نسبت به علویان، به‌ویژه پس از تحولات مربوط به بحران سوریه، در کنار تداوم تبعیض علیه این اقلیت مهم، ناخرسندی بیش از پیش آن‌ها را از وضعیت موجود به همراه داشته است. با توجه به تمایل حزب عدالت و توسعه برای بازتولید قدرت از راه تأکید بر اسلام‌گرایی سُنی‌محور، به‌عنوان یکی از عناصر گفتمانی سردمداران این حزب، امکان تخریب روابط فی مابین بیش از پیش وجود دارد. علاوه بر مقولهٔ علوی‌ها، رویکرد ایدئولوژیک حزب عدالت و توسعه که ملغمه‌ای از اسلام‌گرایی سُنی محور و ملی‌گرایی تُرکی است، نه‌تنها درک مقامات تُرک را از ماهیت مسئلهٔ اَکراد عاجز نموده، بلکه راه را برای موفقیت مذاکرات صلح با نیروهای سیاسی کُرد مسدود کرده است. بخشی از اظهارات اردوغان که در خلال مباحث ذکرشان رفت، فهم تنگ‌نظرانه مقامات ارشد حزب عدالت و توسعه را از مسئله اکراد نشان می‌دهد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

منابع و مراجع

اشرف نظری، علی؛ سلیمی، برهان (۱۳۹۵). «حکمرانی حزب عدالت و توسعه و آینده شکاف های اجتماعی در ترکیه»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره نوزدهم، شماره ۳.

اکبری، نورالدین (۱۳۹۴). «قدرت یابی اسلام گرایان در ترکیه و تأثیر آن بر روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران (۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷)»، *فصلنامه رهیافت های سیاسی و بین المللی*، شماره ۱۵.

امام جمعه زاده، سیدجواد؛ رهبر قاضی، محمودرضا؛ مرندی، زهره (۱۳۹۲). «تحول گفتمان هویت در ترکیه از کمالیسم به اسلام گرایی با تأکید بر حزب عدالت و توسعه»، *فصلنامه مطالعات جهان اسلام*، دوره اول، شماره ۳.

امیدی، علی؛ احمدی نژاد، حمید (۱۳۹۷). «غیریت سازی خاکستری در شاهنامه فردوسی بر اساس نظریه گفتمان لاکلائو و موفه»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال نوزدهم، شماره ۲، صص ۴۲ ـ ۲۳.

حسینی زاده، محمدعلی (۱۳۸۶). «*اسلام سیاسی در ایران*»، قم: انتشارات دانشگاه مفید.

خواجه سروی، غلامرضا؛ رحمنی، مریم (۱۳۹۲). «انقلاب اسلامی ایران و گفتمان سیاسی شیعه در لبنان»، *فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی*، سال دوم، شماره ۶.

دارا، جلیل؛ کرمی، مصطفی (۱۳۹۲). «آزاداندیشی در گفتمان انقلاب اسلامی»، *فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، سال دوم، شماره ۶.

داوداغلو، احمد (۲۰۱۰). «*عمق راهبردی*»، ترجمه محمدحسین نوحی نژاد، تهران: انتشارات امیرکبیر.

رسولی، رؤیا؛ ایمانی، همت (۱۳۹۴). «رویکرد اقتصادی در سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه؛ مورد ایران (۲۰۱۴ ـ ۲۰۰۲)»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال هفتم، شماره ۲.

سلیمانی، غلامعلی؛ عبادی، بهزاد (۱۳۹۴). «حزب عدالت و توسعه: شکاف های اجتماعی و میانجی گری سیاسی»، *فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام*، سال پنجم، شماره ۲.

سمیعی اصفهانی، علیرضا؛ فرحمند، صغری (۱۳۹۵). «کودتای ۲۰۱۶ ترکیه و آیندهٔ سیاسی حزب اسلام گرای عدالت و توسعه؛ با تأکید بر روش سناریونویسی»، *فصلنامه رهیافت های سیاسی و بین المللی*، سال هفتم، شماره ۴۵.

صادقی فسایی، سهیلا؛ روزخوش، محمد (۱۳۹۲). «نکاتی تحلیلی و روش شناختی درباره تحلیل گفتمان (با نگاهی به پژوهش های ایران)»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۷، شماره ۴، صص ۲۹ ـ ۴.

صالحی نجف آبادی، عباس؛ خسروی، بهنام؛ صانعی، راضیه (۱۳۹۴). «بررسی دلایل هژمونیک شدن گفتمان ایران هراسی و شیعه هراسی بر اساس نظریه لاکلائو و موفه»، *فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام*، سال پنجم، شماره ۲، صص ۲۰۹ ـ ۱۸۵.

عبداله، عبدالمطلب؛ ولی زاده میدانی؛ رامین؛ پیروزفر، مهدی (۱۳۹۷). «انگاره های هویتی و تبیین سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه در قبال جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، سال هشتم، شماره ۲۷.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

علی حسینی، علی؛ عربیان، حسین (۱۳۹۶). «تحلیل ناکامی قرائت حزب عدالت و توسعه در الگو شدن برای جهان اسلام»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال بیستم، شماره ۷۹.
فلاحی، سارا (۱۳۹۴). «شبکه های ماهواره ای و تلاش برای شکست گفتمان انقلاب اسلامی»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال دوازدهم، شماره ۴۱.
کسرایی، محمدسالار (۱۳۹۰). «تحلیل گفتمان جنبش دانشجویی پس از پیروزی انقلاب اسلامی با استفاده از نظریات لاکلائو و موفه»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۱، شماره ۴۶.
کشاورز شکری، عباس؛ احمدوند، سمیه (۱۳۹۲). «عملکرد حزب اسلامگرای عدالت و توسعه ترکیه در عرصه سیاست های داخلی و خارجی»، *فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست*، سال اول، شماره ۴ (پیاپی ۳۴).
مشهودی، علی؛ فلاح نژاد، علی؛ فلاح، محمد (۱۳۹۷). «تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر بیگانه ستیزی ایرانیان»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، سال دهم، شماره ۴۰.
ناظمی اردکانی، مهدی؛ خالدیان، صفرعلی (۱۳۹۷). «مؤلفه های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در جهان اسلام»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال هفتم، شماره ۲، صص ۸۶ ـ ۵۹.
نِش، کیت (۱۳۸۴). «*جامعه شناسی سیاسی معاصر*»، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: نشر کویر.
واعظی، محمود (۱۳۹۳). «*میانه روهای کارآمد*»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۱۷.
ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۳). «*دایره المعارف بزرگ اسلامی*»، جلد ۱۳، مقاله بیداری اسلامی، شماره ۵۳۴۹، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.

English Source

Abaza, Khairi & Cagaptay, Soner (2012). "*Alawites & Alevis: What in a Name?*", Fikraforum, http://fikraforum.org/?p=2764#.VlU5JXYrLIU

Azak, Umut (2010). "*Islam & Secularism Turkey, Kemalism, Religion & the Nation State*", London: I. B. Tauris & Co Ltd.

Bahcheli, Tozun & Noel, Sid (2011). "*The Justice & Development Party & the Kurdish Question*", London: Routledge Studies in Middle Eastern Politics.

Barkey, Henri & Fuller, Graham E (1998). "*Turkey's Kurdish Question*", Rowman & Littlefield Publishers. INC.

Cagaptay, Soner (2014). "*Islam, Secularism & Nationalism in Modern Turkey, Who is a Turk?*" London & New York: Routledge.

Dabirimehr, Amir & Tabatabaei Fatmi, Malihe (2014). "*Laclau & Muffes Theory of Discourse*", Journal of Novel Applied Sciences.

Daloglu, Tulin (2012). "*Turkish Alawites Face Prejudice, Pressure by State*", http://www.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

al-monitor.com/pulse/originals/2012/al-monitor/alewites-turkey-syria.html

Eligur. B (2014). "*The Mobilization of Political Islam in Turkey*", Cambridge University Press, New York.

Fikir, Zamani (2010). "*Zengin Dahazengin Yoksul daha Yoksul olurken*", gelen demokrasi.

Isgandarova, N (2014). "*Fethullah Gulen's Thought & Practices ad an Attempt to Reconcile Islam with Secularism*", Journal of Philosophy & Theology.

Keyman, F (2007). "*Turkey ve Radical Democracy: Modern Zamanlarda Siyaset ve Democratic Yonetim*", Istanbul: Baglam Yayinlari.

Laclau, E (1990). "*New Reflection on the Revolution of our Time*", London: Verso.

Laclau, Ernesto & Mouffe. C (2002). "*Recasting Marxism in James Martin: Antonio Gramsci*", Assessment if Leading Political Philosophers.

Mac Donald, D. B (2012). "*Imperial Legacies & Neo – Ottomanism: Eastern Europe & Turkey*", Insight Turkey.

Salivan, Martin (2208). "*Turkey & Israel's Relationship in the Middle East*", Mediterranean Quarterly, at: http://wwwmq.dukejournals.org/cgi/pdf_.

Yavuz, Hakan (2003). "*Islamic Political Identity in Turkey*", Oxford University Press.

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید: DOI:۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۹۰۴۱۳

عبداللهی، عارف؛ حاتمی، محمدرضا ؛ رهبر، عباسعلی (۱۳۹۸)، «چشم‌انداز گفتمان احزاب اسلام‌گرا در مناسبات قدرت و ساختار حکومت (مطالعهٔ موردی: ترکیه)»، *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س۹، ش۴، زمستان ۹۸، صص ۳۳۳-۳۱۱.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]